

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امیر مؤمنان علیؑ

در سہابی از اصول دین، شمارہ بیستم

نام جزوه: امیر مؤمنان علی علیه السلام

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۶ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

[www.darrahehaq.com](http://www.darrahehaq.com)

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

## فهرست مطالب

- ۵..... صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ جانشین پیامبر
- ۹..... نخستین پیشوا
- ۱۰..... پیامبر دلسوز و مآل اندیش
- ۱۵..... حدیث تاریخی غدیر
- ۲۳..... سند حدیث غدیر
- ۲۶..... بررسی کوتاهی در معنای حدیث غدیر

درسهایی از اصول دین، شماره بیستم / ۵

جانشین پیامبر ﷺ ۱

کتاب جهانی الغدير همت بلند مجاهد فقید،  
علامه ی شیخ عبدالحسین امینی - که رحمت  
خدا بر او باد - پیرامون حدیث غدیر، به وجود آمده  
است.

این کتاب عظیم که دستاورد یک عمر تلاش  
راستین آن بزرگ مرد است، در چندین جلد و به  
زبان عربی است و تا کنون ۱۱ جلد از آن نشر  
یافته است.

زبان و بیان کتاب به استواری کوه و به روانی  
آب تدوین یافته و محتوای آن چنان مستدل است که

به اذعان بزرگان و دانشمندان اهل سنت، در طی آن حقایق تشیع، احیاء شده است و یکباره تلقی اهل سنت از تشیع را دگرگون ساخته و به تفاهم این دو گروه مسلمان، خدمتی بزرگ کرده است.

هماره نام او بزرگ باد.

در رساله حاضر، از این کتاب عظیم، بسیار استفاده شده است.

شیعه ی دوازده امامی، بر آنست که: پس از رسول خدا، رهبری جهان اسلام، با امیرمؤمنان علی علیه السلام و آنگاه با یازده فرزند پاکش، می باشد. و این ایده و عقیده را دلایلی به روشنی آفتاب در آستین دارد که با دیدن آن، بی نظران بی غرض را جای تردید باز نمی ماند:

درسهایی از اصول دین، شماره بیستم / ۷

جابر فرزند عبدالله، از یاران ویژه ی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

می گوید:

روزی که آیه ی وجوب اطاعت از خدا و رسول و اولی الامر<sup>۱</sup>، فرود آمد به آن گرامی گفتم: خدا و رسول را شناخته ایم اما سه دیگر چه کسانیند؟ فرمود: «آنان امامان و جانشینان من هستند که نخستین ایشان علی فرزند ابوطالب و آنگاه به ترتیب حسن، حسین، علی بن الحسین، محمد بن علی - که در تورات باقر نامیده شده و تو، جابر او را در خواهی یافت و در آن روزگار، سلام مرا بدو برسان! - پس از او جعفر بن محمد الصادق، موسی بن جعفر،

---

۱ . أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ، سوره نساء،

علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و در انجام: فرزندِ حسن بن علی خواهد بود همان که نام و کنیه‌ی<sup>۱</sup> او همانند من است<sup>۲</sup> و<sup>۳</sup>».

---

۱. در زبان عرب، به نام هایی که جزء نخستین آن کلمه‌ی «اب» یا «ام» می‌باشد، کنیه می‌گویند.

۲. نام و کنیه‌ی پیامبر (صلی الله علیه وآله) به ترتیب محمد و ابوالقاسم است.

۳. منتخب الاثر، ص ۱۰۱ به نقل از کفایة الاثر، مؤلف این کتاب در این باب ۵۰ روایت از کتابهای عامه و خاصه نقل می‌کند که در همه ی آنها پیامبر (صلی الله علیه وآله) امامان دوازده گانه (علیهم السلام) را با اسم معرفی نموده است.



درسهایی از اصول دین، شماره بیستم / ۹

## نخستین پیشوا

هیچ جامعه‌یی، در هیچ موضوع از زمان و مکان، نمی‌تواند بی‌راهر و یله و رها به سر برد؛ این قولی است که جملگی برآیند. با الهام از این واقعیت، این یادآوری به خاطر می‌آید که:

هر کس که زمامدار جامعه‌یی است، اگر به دوام و سعادت آن عشق می‌ورزد، ناگزیر باید در حراست آن کوشا باشد و با توجّه به شعاع قدرت، مسؤولیت، دانش و بینشی که دارد؛ در حال و هم آینده و حتی آینده‌ی دور آن جامعه بیندیشد و طرح و برنامه داشته باشد، تا همواره سرنوشت جامعه به حوزه‌ی سعادت ایده آل، نزدیک گرداند.

۱۰ / امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ

بر همین اساس و روی همین الزام است که  
زمامداران، حتی در مسافرت های کوتاه، قائم مقامی  
برای خود تعیین می کنند. و این کار در همه ی  
جلوه های رهبری، نمود دارد:

یک رئیس خانوار، یک مدیر مدرسه، یک استاد  
کار کارخانه، در غیبت چند ساعته، جانشینی برای  
خویش برمی گزیند و دیگران را به فرمانبری از او -  
در غیاب خویش - سفارش می کند. این مسأله  
چندان بدیهی است که نیاز به برهان ندارد.

پیامبر دلسوز و مآل اندیش

پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ که راهبر جامعه ی جهانی اسلام  
بود، بر همین روال عمل می کردند.

درس‌هایی از اصول دین، شماره بیستم / ۱۱

هر جا که برای نخستین بار، فروغ اسلام می‌تابید؛ هر چند هم کوچک، آن گرامی حاکمی شایسته بر آن می‌گماشت تا زمام امور را به دست گیرد.

برای لشکریایی که به جهاد اعزام می‌کرد، فرماندهی سپاه معین می‌فرمود و گاه چند نفر را به ترتیب معاون آن فرمانده قرار می‌داد تا اگر یکی کشته شود، سپاه بی‌سرپرست نماند.

همچنین، کسانی را می‌شناسیم که آن گرامی، به هنگام مسافرت از مدینه، آنان را به عنوان جانشین و

نماینده‌ی خویش می‌گمارد تا مدینه در غیبت آن بزرگ، بی‌زامدار نماند!

شیعه می‌گوید: با همین دلیل چگونه با خرد موافق است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رحلت فرماید بی‌آن‌که جانشین خویش را برگمارده باشد؟!

کدامین سوی از این احتمال‌ها که بر می‌شمریم با خرد راست است؟:

- آیا پس از رحلت «پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» دیگر جامعه‌ی

اسلامی نیازی به رهبر نداشت؟

---

۱. به کتاب‌هایی که درباره‌ی تاریخ اسلام و روش رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، نوشته شده است مانند سیره‌ی ابن هشام، مراجعه فرمایید.

درسهایی از اصول دین، شماره بیستم / ۱۳

- و یا پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ برای جامعه‌ی مسلمین، پس از

خویش، اهمیتی قائل نبود؟

- و یا دلسوزی و تدبیر خویش، از کف نهاده

بود؟

- و یا لایق‌ترین جانشین را نمی‌شناخت؟

دگر باره می‌پرسیم: کدام سوی از این

احتمال‌ها که بر شمردیم، با خرد هماهنگ می‌باشد؟

پیامبر عزیز اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - که با مهری عمیم، در

همه‌ی چم و خم‌های زندگی مسلمانان، نشانه‌های

راهبری و تعیین تکلیف را از سوی او، می‌توان دید،

چگونه ممکن است، در امری چنین عظیم، تعیین

تکلیف فرموده باشد؟

شیعه ی امامیه با توجّه به این حقایق، به پی جویی متون و مدرک های نخستین و اصلی اسلام می پردازد و در این پی جویی، به منابعی سرشار که خرد و وجدان اسلامی اش، از پیش حکم می کرده است؛ برمی خورد و سرانجام بدین نتیجه می رسد که از پیامبر صلی الله علیه و آله، فرمانهایی روشن، کافی و قاطع در زمینه ی تعیین جانشین به جای مانده:

چنان چون: آیه ی ولایت، حدیث غدیر، حدیث سفینه، حدیث ثقلین، حدیث حق، حدیث منزلت، حدیث دعوت عشیره و دیگر چیزهایی که در کتاب های بزرگ به گستردگی به محک بحث و تحقیق زده شده است. و ما از این همه، تنها حدیث

درسهایی از اصول دین، شماره بیستم / ۱۵

غدیر را برمی‌گزینیم و انصافتان را به داوری  
می‌طلبیم:

### حدیث تاریخی غدیر

پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در سال دهم هجرت به مکه  
عزیمت فرمودند تا فریضه ی حج بگزارند.

این حج، در آخرین سال عمر پیامبر عزیز، انجام  
شد و به همین جهت در تاریخ، آن را حجّه الوداع  
می‌گویند، یعنی حج بدرود، حج خداحافظی.

همراهان پیامبر را که به شوق همسفری با آن  
حضرت و دیدن و فراگرفتن حجّی درست، به  
رکابش شتافته بودند؛ تا ۱۲۰ هزار نفر نوشته‌اند...

گروهی نیز در شهر مکه به او پیوستند. پس از  
انجام گزاردن حج و به هنگام بازگشت به مدینه، روز

هیجدهم ماه ذیحجه، در «غدیر خم»<sup>۱</sup> این آیه نازل شد:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ، فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ<sup>۲</sup>.

«ای پیامبر، برسان آنچه از پروردگارت بر تو فرود آمده است و اگر نرسانی، رسالت خدای را به جا نیاورده ای و خداوند تو را از - گزند - مردمان در امان دارد...».

بدین ترتیب فرمانی بزرگ از سوی خداوند بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد.

---

۱ . غدیر خم نام جایی است بین مکه و مدینه.

۲ . سوره ی مائده، آیه ی ۶۷ .



درسهایی از اصول دین، شماره بیستم / ۱۷

لبهای کاروانیان به آهستگی نجوا می کند:

- خدا فرمانی داده است... و همه منتظر فرمان

می مانند...

در همین هنگام، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دستور می دهد که

همه از حرکت باز گردند و بازماندگان در رسند.

چنین می کنند... و راهگذرانی بسیار، به فرمان

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اینک برای شنودن یک خبر

ایستاده اند... و صحرا چنان که می دانیم و گفتیم:

پهنه‌ی بی آب و تفته‌ی غدیر خم است.

نیمروز است و هرم آفتاب سوزنده؛ خبر چیست

که پیامبر در این هنگام و هنگامه، مردم را بر سر پا

نگاه داشته است؟

در این هنگام، بانگ اذان به گوش می رسد؛ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ با مردم نماز می گزارد و از باربند شتران، مکانی بلند ساخته می شود. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بر فراز آن می ایستد. سینه ها نفس ها را دزدیده اند و مردم چون ریگزار صحرا، خاموش خاموشند و منتظر شنودن خبر.

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شروع می کند؛ سخنانش چون تراوش ذرات آب که از آبشار در هوا بپراکند، نرم و نوازشگر است و هرم گرما را می شکند و مردمان تشنه، زیر آفتاب، با گوش جان آن را می نوشند و می نیوشند؛ پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ پس از ستایش خداوند، چنین ادامه می دهد:

درسهایی از اصول دین، شماره بیستم / ۱۹

- من و شما، هر دوران مسؤولیم؛ چه

می گوید؟

- گواهییم که ما را تبلیغ کردی و در این راه چه

بسیار کوشیدی، خدا تو را بهترین پاداش دهد!

- آیا به یگانگی خداوند و پیامبری بنده اش

محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، گواهی نمی دهید؟

و به راستینی بهشت، دوزخ، مرگ، رستخیز و

زندگی پس از در گذشتن؟

- گواهی می دهیم.

- خدایا گواه باش! و آنگاه رو سوی مردم باز

می گوید:

---

۱ . مسؤولیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ابلاغ رسالت و مسؤولیت دیگران،

عمل بدین و ابلاغ به دیگران است.

- مردم! من و شما کنار کوثر یکدیگر را خواهیم دید؛ هشیار باشید که پس از من با دو «گرانبها گوهر» چگونه خواهید بود؟

- ای پیامبر خدا، آن دو، چیست؟

- کتاب خدا و اهل بیت من. خدا به من خبر داده است که این دو از هم نگسلند تا کنار کوثر به من رسند... از آنان پیشی مجوید که هلاک خواهید شد و هم باز پس نمانید که باز موجب هلاکت است. در این هنگام، دست امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام را برمی افرازد تا مردم، همه، او را ببینند و باز شناسند؛ پس آنگاه در همان حال منشور آسمانی جانشینی خود را می خواند:

درسهایی از اصول دین، شماره بیستم / ۲۱

– أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ  
أَنْفُسِهِمْ.

مردم! چه کسی به مؤمنان از ایشان سزاوارتر  
است و بر آنان ولایت و سرپرستی دارد؟  
– خدا و پیامبرش داناترند.

– خدا بر من ولایت دارد و من بر مؤمنان، و من  
بر گرویدگان، از خود ایشان سزاوارترم؛ پس:  
مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ<sup>۱</sup>.

هر کس من ولیّ و سرپرست اویم، علی  
سرپرست و ولیّ اوست.

---

۱ . طبق روایت احمد بن حنبل - یکی از چهار پیشوای بزرگ  
اهل تسنن - پیامبر(صلی الله علیه وآله) این جمله را چهار بار  
تکرار فرمود.

خدای من! دوستانش را دوست بدار و با  
دشمنانش دشمن باش! و یاری کن هر که او را یاری  
کند و کیفر ده آن را که با وی بستیزد...

هان! هر حاضری باید به غایبان ابلاغ کند.  
هنوز مردم نپراکنده اند که این آیه نازل  
می شود:

امروز دیتتان را کامل و نعمت را بر شما تمام  
کردم و خرسند شدم که اسلام دین شما باشد!  
پس آنگاه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فریاد برآورد: الله اکبر!  
دین خدا کامل شد و پروردگار به رسالت من و  
امامت علی پس از من، خشنود گشت.

---

۱. الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ  
لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا، سوره ی مائده، آیه ی ۳.

درس‌هایی از اصول دین، شماره بیستم / ۲۳

پس از این مراسم، مردم به امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام شاد باش گفتند؛ از کسانی که پیشاپیش اصحاب، به امیرمؤمنان، حضرت علی علیه السلام تهنیت گفتند، ابوبکر و عمر بودند که گفتند:

بَخَّ بَخَّ لَكَ يَا عَلِيُّ، أَصْبَحْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى كُلِّ  
مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ اِی خُوشَا بَر تُو یَا عَلِی، کِه مَوْلَای مَن  
و هر مرد و زن با ایمان شده ای.<sup>۱</sup>

### سند حدیث غدیر

این حدیث از جهت سلسله ی راویان، چندان محکم است که شاید کمتر مانند داشته باشد.

یکصد و ده نفر<sup>۱</sup> از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله که در غدیر حاضر بوده اند، این حدیث را بی هیچ واسطه، از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند و هم هشتاد و چهار نفر از تابعین<sup>۲</sup>.

دانشمندان آگاه و بی غرض، چه تاریخ نویسان و چه مفسران و دیگرها، از اهل تسنن، مسأله ی غدیر را با مدارک زیاد در کتاب های خود آورده اند، که نام سیصد و پنجاه نفر از آنها در کتاب «الغدیر» فراهم آمده است.

---

۱. الغدیر، ج ۱، ص ۶۱ - ۱۴.

۲. الغدیر، ج ۱، ص ۷۲-۶۲؛ تابعین آنانند که خود پیامبر (صلی الله علیه و آله) را ندیده اند، اما یک یا چند تن از اصحاب آن حضرت را دیده اند. «فریدوجدی».



درسهایی از اصول دین، شماره بیستم / ۲۵

چه بسیاری از دانشمندان بزرگ اسلامی، در این باره مستقلاً کتاب نوشته اند که نام بیست و شش نفر از آنان با ویژگیهای کتاب هایشان در «الغدیر» فراهم آمده است.

فرهنگ نویسان چون به واژه ی غدیر یا مولی، رسیده اند، داستان غدیر را باز گفته اند...

و باری، کوچک ترین تردید و کمترین سایه ی انکار در سند حدیث غدیر وجود ندارد مگر برای آن دسته از مردمان که در نور خورشید می ایستند و گرمی آن را بر پوست خود حس می کنند اما باز می گویند نور و گرمایی نیست.

## بررسی کوتاهی در معنای حدیث غدیر

حدیث غدیر، با نشانه هایی که در خود آن و خارج از آن وجود دارد؛ چنان چشمگیر است که هر انسان با انصافی را متوجه خود می سازد و از آن به روشنی برمی آید که امیر مؤمنان، حضرت علی علیه السلام، نخستین جانشین پیامبر اسلام بوده است.

اینک به توضیح و گشودن برخی از آن نشانه ها و شواهد می پردازیم:

۱- کلمه‌ی مولی که در این حدیث به چشم می خورد، از روشن ترین کلماتی است که در این زمینه به کار گرفته شده است.

«مولی» در این حدیث یعنی کسی که دارای مقام ولایت، امامت، رأی و فرمان است و خواسته اش بر

درس‌هایی از اصول دین، شماره بیستم / ۲۷

همه‌ی خواسته‌ها مَقَدَم؛ به این دلیل که پیامبر پیش از جمله‌ی «من کنت مولاه» فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ  
أَنْفُسِهِمْ؟

مردم! چه کسی به مؤمنان از ایشان سزاوارتر است.

معنای اولویت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آن است که خواسته‌ی او بر خواسته‌ی مردم پیشی جوید و هر چه بگوید و انجام دهد، برای مردم حجت باشد و مردم پیروی کنند و در حقیقت بر مردم ولایت و سرپرستی داشته باشد. حال می‌گوییم: همان‌طور که در جمله‌ی پیشین، صحبت از اولویت و ولایت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است، در جمله‌ی بعد هم باید صحبت از

ولایت و اولویت به همان معنی باشد تا ارتباط  
معنوی دو جمله ی پیشین و پسین، محفوظ بماند.

بدین ترتیب، معنای درست و کاملی که از این  
چند جمله به دست می آید؛ این است که  
پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

آیا من نسبت به شما از خودتان سزاوارتر  
نیستم؛ همه گفتند هستی؛ آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:  
همین سزاواری و اولویت و ولایت که من نسبت به  
شما دارم، علی نیز دارد و پس از من، او مولای  
همه ی مسلمانان و جانشین من خواهد بود.

پس، در این حدیث، هیچ یک از معانی دیگر  
«مولی»، جز همان اولویت و ولایت و امامت، منظور

درسهایی از اصول دین، شماره بیستم / ۲۹

نیست و معانی دیگر در این مقام، کاملاً بی‌تناسب است.

توجه به این نکته نیز که: پیامبر اسلام در آن هوای گرم، انبوه مردم را سرپا نگهداشت؛ این حقیقت تاریخی را بیشتر آشکار می‌کند که موضوع، اهمیتی ویژه داشته است و گرنه هیچ عاقلی باور نمی‌کند که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مردم را در آن شرایط نگه دارد و منظورش فقط این باشد که یک موضوع جزئی (مثلاً علی دوست من است) را به مردم یادآوری کند.

۲- دلیل دیگر این که:

پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در جمله‌ی بعد فرمود: «خدایا یاری کن آن را که علی را یاری کند و از رحمت خود دور بدار آن را که از یاری علی، خودداری کند».

۳۰ / امیر مؤمنان علی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ می دانست که پس از او، حضرت علی عَلِيٌّ باید از نظر ظاهر، نیرو و ارتش داشته باشد و مردم او را یاری کنند تا اسلام ریشه گیرد؛ چرا که حکومت اسلام نیاز به فرماندهان عادل و مطاع دارد و لازم است همه‌ی مردم از جانشین پیامبر فرمانبرداری کنند؛ از این رو، یاوران حضرت علی عَلِيٌّ را دعا کرد و مخالفان او را نفرین، تا از این راه نیز به مردم بفهماند مخالفت با حضرت علی عَلِيٌّ، موجب غضب خداوند و نفرین پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ است.

۳- پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در پیشانی خطبه فرمود:

آیا به یگانگی خدا و رسالت بنده اش محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، گواهی نمی دهید؟ گفتند: می دهیم، آنگاه

درسهایی از اصول دین، شماره بیستم / ۳۱

فرمود: ولیّ و مولای شما کیست و سپس فرمود: هر کس من مولای او هستم علی نیز مولای او خواهد بود.

بدیهی است که منظور از ولایت حضرت علی علیه السلام، پس از شهادت به یگانگی خدا و رسالت و ولایت پیامبر، همان امامت است زیرا جز بدین معنی، ارتباط جمله ها حفظ نمی شود و می دانیم که پیامبر صلی الله علیه و آله از بلیغ ترین و فصیح ترین مردمان بود در گفتار.

۴- مردم پس از انجام مراسم، به امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام تهنیت ها گفتند. آشکار است که این شاد باش در صورتی صحیح به نظر می رسد که در آن روز حضرت علی علیه السلام از سوی خدا و

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، به مقامی بلند رسیده باشد. جز در این صورت، تهنیت معنا نداشت.

۵- آیه‌ی: يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ<sup>۱</sup>.

به گواهی دانشمندان اهل تسنن، روز غدیر، درباره‌ی مسأله‌ی جانشینی حضرت علی - که درود خدا بر او - فرود آمده است.<sup>۲</sup>

---

۱. سوره مائده، آیه ۶۷؛ ای پیامبر، برسان آنچه از پروردگارت بر تو فرود آمده است و گرنه رسالت خدای را به جانیاورده‌ای و خداوند ترا از - گزند - مردمان در امان دارد.

۲. علامه امینی در «الغدیر» سی نفر از مشاهیر اهل تسنن را نام می‌برد که همه اعتراف کرده اند این آیه درباره‌ی علی (علیه السلام) نازل شده است.



درسهایی از اصول دین، شماره بیستم / ۳۳

برای نمونه، گفتار مفسّر و مورّخ بزرگ اهل  
تسنّن: حافظ ابو جعفر محمّد بن جریر طبری را  
می‌آوریم:

«... بعد از این آیه که در غدیر خم نازل شد،  
پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل از طرف خدا دستور آورد  
که در این جایگاه بایستم و به هر سفید و سیاه اعلام  
کنم که علی فرزند ابوطالب، برادر من، وصی من،  
جانشین من و امام پس از من است...»<sup>۱</sup>.

۶- اشعار و چکامه های شکوهمند و بلندی که  
شاعران و ادیبان اعصار از آن روز تا امروز درباره‌ی  
غدیر و جانشینی امیرمؤمنان، حضرت علی علیه السلام  
سروده اند؛ گذشته از اهمیّت جنبه‌ی ادبی، دلیل

---

۱. الغدير، ج ۱، ص ۲۱۴، به نقل از کتاب الولاية طبری .

محکمی در مسأله ی مورد بحث ماست زیرا همه ی آنها خطبه ی غدیر خم را مربوط به ولایت و امامت دانسته و شرح داده اند.

شعر و نام این شاعران همه ضبط شده است و آنان که با ادبیات عرب آشنایی دارند، می توانند کتاب ارجمند «الغدیر» را ببینند.

در این کتاب بلند، اشعار و نام بسیاری از شعرایی که در موضوع غدیر شعر سروده اند، از قرن اوّل هجری تا قرنهای بعد، به ترتیب فراهم آمده و حتی نقد و بررسی شده است.

۷- پیامبر بزرگ ما صلی الله علیه و آله و امامان گرامی (علیهم

السلام)، روز هیجدهم ذیحجه را، یکی از عیدهای رسمی مسلمانان اعلام فرموده اند تا مسأله ی غدیر،

درسهایی از اصول دین، شماره بیستم / ۳۵

هر ساله بازگو شود و به دست فراموشی سپرده نگردد.

چنان که ابوریحان بیرونی دانشمند مشهور ایرانی در قرن پنجم، در کتاب «آثار الباقیه» و نیز ابن طلحه ی شافعی در کتاب «مطالب السؤل»، روز غدیر را یکی از عیدهای اسلامی نام برده اند.

ابومنصور ثعالبی، ادیب و دانشمند مشهور هم در کتاب «ثمارالقلوب» شب غدیر را از شبهای بزرگ اسلامی دانسته است.

۸- احتجاج ها: امیرمؤمنان، حضرت علی علیه السلام و

امامان دیگر، هرگاه به حدیث غدیر احتجاج و در برابر مخالفان بدان استدلال کرده اند، هیچ کس در معنای آن و این که مربوط به امامت و جانشینی

حضرت علی علیه السلام است؛ اشکالی نکرده و مجاب شده‌اند.<sup>۱</sup>

امیر مؤمنان علیه السلام، یک روز در کوفه خطبه می‌خواند؛ ضمن آن فرمود: به خدایتان سوگند می‌دهم، هر کس در غدیر حاضر بود و به گوش خود شنید که پیامبر مرا به جانشینی برگزید، بایستد، تنها آنان که به گوش خود از پیامبر شنیده‌اند؛ برخیزند نه آنان که از دیگران شنیده‌اند و خود در غدیر نبوده‌اند، جمعی برخاستند.

احمد حنبل، پیشوای بزرگ مذهب حنبلی می‌گوید:

---

۱. الغدیر، ج ۱، ص ۱۵۹ به بعد.

درسهایی از اصول دین، شماره بیستم / ۳۷

آنان سی نفر بودند که آن روز برخاستند و به شنیدن حدیث غدیر گواهی دادند.

باید دانست که در آن تاریخ، بیست و پنج سال یا بیشتر از واقعه‌ی غدیر گذشته بود و هم برخی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله در آن روز، در کوفه نبودند و یاپیش از تاریخ در گذشته بودند و نیز برخی به بعضی غرض ها بودند و گواهی ندادند.

رهبر آزادگان حضرت امام حسین علیه السلام نیز به هنگام سخنرانی در اجتماع اسلامی مکه، بین هفتصد نفر از پارسایان اصحاب و تابعان پیامبر صلی الله علیه و آله، فرمود:

«... به خداوندتان سوگند باد، آیا می دانید که پیامبر در غدیر، علی علیه السلام را به خلافت و ولایت برگزید و فرمود: حاضران به غایبان برسانند؟ آن جمع همه گفتند: خدا گواه است که چنین بود...»<sup>۱</sup>.

در پایان این مقال، با تقریظی که شیخ محمد دحدوح، امام جمعه و پیشوای روحانی اهل تسنن شهر حلب بر کتاب الغدیر نوشته است؛ سخن را کوتاه می‌کنیم:

«... کتاب الغدیر، حقایقی را استوار کرد و در برابر، خرافه‌هایی را ریشه کن ساخت. برخی از

---

۱. در کتاب ارجمند «الغدیر» ج ۱، ص ۲۱۳ - ۱۵۹،۲۲، احتجاج در این زمینه شده است.

درسهایی از اصول دین، شماره بیستم / ۳۹

چیزها را به ثبوت رسانید که ما نمی دانستیم و گفته هایی را باطل کرد که ما بر اثر بی خبری، قرن‌ها بدانها دل سپرده بودیم.

آری، از حوادث گذشته، به گونه یی برای ما سخن رفته بود که ما می گفتیم: منشاء آنها را نمی دانیم و در اسرار آنها نیز نمی اندیشیدیم؛ با آن که لازم بود از پیشامدها درس می گرفتیم و بنای بلند بررسی قضایای تاریخی را بر پایه ی تحقیق بالا می بردیم...».

چنان که دیدیم، تا پیش از کتاب الغدیر این مقدار، دانش عمومی اهل تسنن می بود از واقعه‌ی تاریخی غدیر؛ اما هم اکنون و از آن پس که فصل‌ها و بخش‌های «الغدیر» منتشر شد، در برابر، دریایی

۴۰ / امیر مؤمنان علی علیه السلام

جوشان می بینند سرشار از دلیل رسا، برهان روشن و دانش فروزان؛ آنچه در «الغدیر» می بینیم یک زبان می گوید: فروغ مهتاب پوشیدنی نیست.

برخی از کتابهای مفید در این زمینه می توانید

بخوانید:

۱ - ترجمه ی کتاب «المراجعات»

۲ - ترجمه ی کتاب «الغدیر»

۳ - شبهای پیشاور

۴ - حساس ترین فراز تاریخ